

## **Explain the jurisprudential and legal nature of currency extraction and sale in Iranian law**

Alireza Emam<sup>1</sup>

Received Date:6Jan2022

Ali zare<sup>2</sup>

Reception Date :31Mar2022

Ali taghi khani<sup>3</sup>

### **Abstract**

The extraction and sale of cryptocurrencies is one of the new topics that there are different sayings among contemporary jurists about its nature; Some have called it monetary and some have called it non-monetary. This is also the case among lawyers. Therefore, the issue discussed in the present study can be posed as: What is the jurisprudential and legal nature of the extraction and sale of cryptocurrencies? In response to the present problem, it can be said that there are various sayings in this regard, which according to most jurists and jurists, its nature is monetary.

Therefore, the nature of extracting and selling cryptocurrencies according to various jurisprudential and legal theories can be considered as modern and digital money that can have objective and religious value. This type of nature in 1397 and 1398 with the approval of the regulations The process of extracting cryptographic processing products and using cryptocurrencies was banned. In general, the subject of the present article will be examined in a descriptive and analytical manner, and as a finding, it can be said that in examining the jurisprudential and legal nature of extracting and selling cryptocurrencies, we can refer to different legal texts and jurisprudential texts. It is called money.

**Keywords:** Sale, currency code, extraction, electronic money, real estate.

---

<sup>1</sup>PhD Student, Department of Private Law, Islamic Azad University of Science and Research, Iran

<sup>2</sup>Assistant Professor, Department of Law, Theology and Political Science, Islamic Azad University of Science and Research, Iran (Corresponding Author) [dr.alizare@gmail.com](mailto:dr.alizare@gmail.com)

<sup>3</sup>Assistant Professor, Department of Private Law, Islamic Azad University, Damavand Branch, Iran

**تبیین ماهیت فقهی و حقوقی استخراج و بیع رمز ارزها در حقوق ایران**علیرضا امام<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۶/۱۰/۱۴۰۰

علی زارع<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۱/۰۱/۱۴۰۱

علی تقی خانی<sup>۳</sup>**چکیده**

استخراج و بیع رمز ارزها یکی از موضوعات نوینی است که در بین فقهای معاصر در راستای ماهیت آن اقوال مختلفی وجود دارد؛ برخی ماهیت آن را پولی و برخی آن را ماهیتی غیر پولی عنوان نموده اند. این موضوع در میان حقوقدانان نیز وجود دارد. از این جهت مسئله ی مورد بحث در پژوهش حاضر را می توان چنین طرح نمود که ماهیت فقهی و حقوقی استخراج و بیع رمز ارزها چه می باشد؟ که در پاسخ به مسئله حاضر می توان عنوان نمود که اقوال مختلفی در راستای این موضوع وجود دارد که به عقیده اکثر فقها و حقوقدانان، ماهیت آن پولی است. از این رو ماهیت استخراج و بیع رمز ارزها را مطابق نظریات مختلف فقهی و حقوقی می توان جزو پول مدرن و دیجیتال عنوان نمود که می تواند مالیت عینی و دینی داشته باشد که این نوع ماهیت در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ با مصوب شدن آیین نامه ی «فرایند استخراج فرآورده های پردازشی رمزنگاری شده رمزارزها و استفاده از رمزارز» ماهیت پولی آن ممنوع اعلام گردید. به طور کلی بررسی موضوع مقاله حاضر به روش تفسیری-کیفی مورد بررسی قرار خواهند گرفت و به عنوان یافته می توان عنوان داشت که در بررسی ماهیت فقهی و حقوقی استخراج و بیع رمز ارزها می توان به متون قانونی و متون فقهی مختلفی اشاره داشت که ماهیت آن را پول عنوان نموده اند.

**کلیدواژگان:** بیع، رمز ارز، استخراج، پول الکترونیکی، مال منقول.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات، ایران

<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات، ایران (نویسنده مسئول)

dr.alizare@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند، ایران

به عملیات تولید ارز دیجیتال اصطلاحاً استخراج ارز دیجیتال اطلاق می شود که در واقع به عملیات کشف رمز معاملات دیجیتالی و ثبت آنها ماینینگ یا تولید ارز دیجیتال گفته می شود که در آن از چندین روش مختلف اقدام به استخراج انواع ارز دیجیتال مانند بیت کوین، اتریوم و... می شود و به افرادی که از این روش برای استخراج ارز های دیجیتالی استفاده می کنند اصطلاحاً ماینر می گویند. امروزه موضوع استخراج و بیع رمز ارزها به شکل گسترده ای زبانزد عام و خاص است و مهمترین نوع این نوع بیع رمز ارزها، بیت کوین است که ابعاد مختلف حقوقی را می توان در راستای آن مورد مطالعه قرار داد؛ برای مثال موضوع قراردادهای منعقد شده با دولت ها دیگر، استخراج آن، بیع این نوع رمز ارزها، اجاره آنها، خرید و فروش آن، فسخ این نوع بیع ها، غرر در این نوع بیع ها، نقل و انتقال آنها و... از ابعاد حقوقی استخراج و بیع رمز ارزها است که در حقوق ایران دارای شرایط و آثار مختلفی است. از ویژگی های بیع رمز ارزها که عبارتند از غیرقانونمند بودن، همتا به همتا بودن، بر پایه شبکه بودن، کالا بودن، دارایی داشتن، سرعت انتقال بالا، هزینه انتقال پایین، داشتن معاهدات پیشرفته ریاضی، کیف پول الکترونیکی، غیرمتمرکز بودن، بدون پشتوانه بودن، رمزنگاری پیشرفته و شفافیت می باشد.<sup>۱</sup> در راستای شناخت ماهیت استخراج و بیع رمز ارزها، نظرات مختلفی وجود دارد و مهمترین آنها را می توان ماهیت فقهی و حقوقی این نوع رمز ارزها عنوان نمود. برخی ماهیت آن را کالا عنوان نموده اند و برخی نیز آن را ابزار پرداخت رسمی دانسته اند و برخی آن را پول عنوان نموده اند و برخی نیز آن را دارایی دانسته اند که ماهیت های مختلف پیش گفته، در آثار بیع رمز ارزها مؤثر خواهد بود. در رابطه با استخراج (انتشار) به دلیل وجود شبهه ی شرعی در رابطه با مالیت و مبادله رمز ارزهای جهان روا، استخراج آنها جهت استفاده در داخل کشور با شبهه ی شرعی مواجه است؛ اما استفاده از آنها به عنوان «کالای صادراتی» بلاشکال است. در فقه اسلامی این مسئله تحت عنوان «تولید مال نامشروع» مورد بحث قرار می گیرد. در واقع، تولید کالاهایی که مصرف آن برای مسلمانان حرام یا دارای شبهه است (مثلاً تولید و پرورش خرگوش و

۱. ر.ک: حسنی، علیرضا؛ امانی، نوح؛ عاشوری، امیر، ۱۳۹۴، بررسی حقوقی جایگاه پول مجازی در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا، اولین کنفرانس حقوق و امور قضایی، ص ۱.

قورباغه) به قصد فروش به کسانی که آن را حلال می دانند، اشکالی ندارد.<sup>۱</sup> نظرات مختلفی از سوی فقهای فقه امامیه در حقوق ایران، در خصوص آثار استخراج بیع رمز ارزها نیز بیان گردیده است که برخی همچون وحید خراسانی، نوری همدانی، صافی گلپایگانی، شبیری زنجانی، مکارم شیرازی، هاشمی شاهرودی و دیگران آن را قبول نکرده اند و از جهاتی اشخاصی همچون صانعی آن را صحیح عنوان نموده اند و صحت آن را در شرط آگاهی دانسته اند. امام خمینی (ره) در کتاب البیع در خصوص ماهیت بیع که می تواند در راستای بیع رمز ارزها نیز مورد مطالعه قرار گیرد بیان می دارد: «فرض اعتبار مالیت در ماهیت بیع رمز ارزها، آنچه اعتبار دارد مالیت عرفی است (و نه مالیت شرعی). لذا اگر فرض شود که یک شیء از نظر شارع مقدس مال نیست، ولی از نظر عرف مال محسوب می شود، این موضوع بر صدق عنوان بیع بر این معامله خللی وارد نمی کند (هرچند که ممکن است این بیع به لحاظ شرعی باطل و فاقد اثر باشد)؛ بنابراین، اساساً ساقط کردن مالیت عرفی اشیا در وسیع شریعت نیست و آنچه شریعت می تواند انجام دهد، جلوگیری از آثار معاملات به صورت کلی یا جزئی است و نه سلب کردن جایگاه و اعتبار عرف (در تعیین مالیت اشیا)».<sup>۲</sup> با توجه به نظر حضرت امام می توان عنوان داشت که بیع رمز ارزها، عرفاً مال محسوب می شود و از مالیت برخوردار است و ماهیت آن نیز مال است. در حقوق ایران، با توجه به نوآوری و جایگاه جدید بیع رمز ارزها، متأسفانه قانون مدونی وجود ندارد و در راستای معامله آن می بایست به عموماً قوانینی همچون قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی و منابع فقهی مراجعه نمود. بنابراین نظریات مشهور فقها بر عدم احراز صحت و بطلان رمز ارزها دلالت دارند و قوانین ایران نیز در این قضیه مسکوت است. با توجه به اینکه موضوع بیع رمز ارزها پدیده ای جدید هستند، طبقه بندی رسمی و تعریف واحدی برای آنها در مراجع مختلف ارائه نگردیده و در حقیقت، مفهوم نگاری رمز ارزها، یکی از مسائل چالشی حوزه ی بانکداری الکترونیکی است و حتی در بعضی مواقع واژه هایی با کاربردهای مجزا به جای هم استفاده می شوند. مفهوم بیع رمز ارز نیز با چنین چالشی روبرو گردیده است و بعضی آن را معادل ارز دیجیتال و یا ارز مجازی عنوان داشته اند و برخی در عمل تفاوتی بین این مفهوم و توکن قائل نمی شوند. این در حالی است که ارز مجازی، ارز دیجیتالی و رمز ارز

۱. جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه قم، ۱۳۹۱، توضیح المسائل مراجع مطابق با فتاوی سیزده نفر از مراجع معظم تقلید، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۵.

۲. موسوی خمینی، روح الله، ۱۴۲۱ ه.ق، البیع، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۳، ص ۹.

سه مفهوم مستقل و متفاوت با کاربردهای مختلف هستند و مفهوم رمز ارز نیز متفاوت از مفهوم توکن می باشد. بنابراین مورد معامله در بیع رمز ارزها می بایست مالیت داشته باشد و برای پی بردن به این قضیه می بایست مال بودن یا مالیت رمز ارزها به اثبات رسد و این موضوع از منظر حقوق دانان و فقها نیز مورد تأکید قرار گرفته است. برای مثال اصل ۴۷ قانون اساسی بیان می دارد: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می کند». و ماده ۲۱۵ قانون مدنی عنوان می دارد: «مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلائی مشروع باشد». با توجه به این دو مقرر می توان عنوان داشت که ماهیت استخراج و بیع رمز ارزها اگر مال باشد اثر آن نیز مشروع و صحیح خواهد بود. بنابراین می بایست عنوان نمود که مالیت استخراج و بیع رمز ارز را نفع عقلایی و عرف مشخص می کند و خرید و فروش رمز ارزها در بازار را می توان حاکی از ماهیت مشروع آن عنوان نمود. به طور کلی در مقاله حاضر، پس از تبیین مفاهیم به بررسی ابعاد فقهی و حقوقی ماهیت رمز ارزها در حقوق ایران به روش تفسیری-کیفی پرداخته خواهد شد.

#### ۱- مفهوم شناسی

برای مطالعه هر پژوهشی، آشنایی با مفاهیم پیرامون آن از اهمیت برخوردار است و این موضوع می تواند در فهم مطالب از اهمیت برخوردار باشد. از این جهت ذیلاً به مفاهیم پرکاربرد اشاره می شود.

#### ۱-۱- مفهوم استخراج رمز ارزها

در حال حاضر در کشور ما تعریف رسمی از رمز ارز ارائه نشده است؛ تنها در پیش نویس بهمن ماه ۱۳۹۷ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران این طور آمده که رمز ارزها یک نوع دارایی مالی است که بر بستری دیجیتال، غیر متمرکز، و شفاف به نام زنجیره‌ی بلوک موجودیت می یابد و این دارایی ها در شرایطی می توانند کارکرد پولی به خود بگیرند. لازم به ذکر است، تعاریف متنوعی از رمزارز وجود دارد، ولی هنوز اجماع بین المللی برای ارائه ی تعریفی واحد از این مفهوم ایجاد نشده است. یکی از دلایل این امر، به تفاوت رویکرد کشورهای در رابطه با ماهیت رمزارزها برمی گردد.<sup>۱</sup> از جهاتی نیز کلمه استخراج<sup>۲</sup> در دنیای رمز ارزها به معنی تولید و تأیید تراکنش ارز رمز نگاری شده از طریق حل مسائل کامپیوتری

۱. میثمی، حسین؛ بیابانی، زینب، ۱۳۹۹، تحلیل ماهیت، استخراج و مبادله انواع رمزارزها و توکنها از منظر فقه اسلامی و قوانین کشور، پژوهشکده پولی و بانکی، ص ۱۰.

2. Mining

و دیجیتالی می باشد. رمز ارزها از پروتکل های رمزگرافیکی و یا کدهای فوق العاده پیچیده برای رمزگذاری دیتاهای حساس و انتقال آنها استفاده می کنند تا معاملات امنی را فراهم کنند. توسعه دهندگان رمز ارزها این پروتکل ها را بر پایه اصول پیچیده ریاضیات و مهندسی کامپیوتر بنا کرده اند که آنها را غیرقابل نفوذ می کند. این پروتکل ها همچنین هویت افراد استفاده کننده از رمز ارزها را مخفی نگه می دارد و ردیابی و پیدا کردن آنها را برای هر کسی و هر دولتی دشوار می کند. رمز ارزها همچنین برای کنترل شدن غیر متمرکز خود شناخته می شوند. این به آن معناست که تمام فعالیت ها و ارزش های این بازار توسط همان کدهای پیچیده کنترل و ارزیابی می شوند و بانک ها و یا مقامات دولت ها کترلی روی آنها ندارند. ارزهای دیجیتال امکان معامله شدن توسط ارزهای واقعی را نیز دارا می باشند و شما می توانید در بعضی از مارکت های خاص و صرافی های شناخته شده، مانند بایننس،<sup>۱</sup> ارزهای دیجیتال خود را با دلار، پوند، یورو و غیره جایگزین کنید. خطر اصلی در همین مرحله اتفاق می افتد جایی که هکرها و بدافزارها امکان بلوکه کردن پول شما را در حین این انتقال دارا هستند.<sup>۲</sup>

## ۲-۱- مفهوم بیع رمز ارزها

بیع، در ماده ۳۳۸ قانون مدنی چنین تعریف شده است: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم.» این تعریف که برگرفته از تعریف بیع توسط برخی از فقهای امامیه است، دلالت بر تملیکی بودن عقد بیع می نماید و ظاهراً با تعریفی که از عقد در ماده ۱۸۳ قانون مدنی ارائه شده در تعارض می باشد چرا که مستنبط از ماده اخیر الذکر عهدهی بودن عقود و نه تملیکی بودن آنهاست. از دیگر مسائلی که با توجه به ماده ۳۳۸ قانون مدنی قابل طرح و بررسی است، بیع اموال کلی است. همچنین در مورد اموال غیر مادی مانند حق سرقتی، حق مؤلف و حق مخترع نیز این بحث مطرح است. به هر حال، این دو مورد هم نیاز به بررسی جداگانه دارند که آیا بیع تلقی می شوند یا نه؟ مسأله دیگری که مرتبط با بیع می باشد مسأله عوض است که آیا در زمان کنونی با توجه به اینکه عوض، عادتاً و عرفاً، پول می باشد، اگر عوض، پول نقد نباشد و یکی دیگر از اموال باشد، آیا برآن بیع اطلاق می گردد یا اینکه در قالب عقد معاوضه باید به آن پرداخت. همچنین قراردادهای مشابهی وجود دارد مانند

<sup>۱</sup>. Binance

<sup>۲</sup>. خانه دیجیتال، ۱۴۰۰، رمز ارز چیست و چگونه می توان از آن کسب درآمد کرد؟،

<https://khanesarmaye.com> رؤیت شده در مورخه ۱۴۰۰/۰۷/۱۶

معاوضه، اجاره اشخاص، اجاره به شرط تملیک، هبه معوض که بعضاً مسائل دشواری را در تشخیص ماهیت حقوقی عمل انجام شده، مطرح می‌کنند که نیازمند معین و مشخص نمودن ضوابط دقیق و معیارهای جامع و مانع جهت تشخیص بیع از چنین قراردادهای مشابهی است.<sup>۱</sup> با این حال عقد بیع قرارداد یا عقدی است که به موجب آن شخصی، مالی را در ازای مال دیگر به شخص دیگری واگذار کند به نحوی که مالک مال (فروشنده)، مالکیت کالای خود را در مقابل پول یا مالی که دریافت می‌کند به طرف مقابل (خریدار) انتقال دهد و طرف نیز در مقابل دریافت کالا، پول یا مال خود را به فروشنده بدهد. عقد بیع به محض انشای اراده ی طرفین تشکیل‌دهنده ی آن، یعنی بایع و مشتری، تحقق می‌یابد و دارای اثر حقوقی می‌شود. بیع در لغت به معنای خرید و فروش و داد و ستد می‌باشد و در اصطلاح فقهی ایجاب و قبولی است که بر نقل ملک در مقابل عوض معلوم و معین دلالت کند.<sup>۲</sup>

## ۲- ماهیت فقهی و حقوقی

### ۲-۱- عقد بودن

در امور معاملی و معاوضی، عوض در قبال معوض تأدیه می‌شود و بنابراین دو نفر که دارای اهلیت کامل باشند، می‌توانند مالکیت خود را اعم از عین و منافع در قالب عقود معین و یا غیرمعین و صرف تراضی مبادله کنند. این موضوع در راستای خرید و فروش بیع رمز ارزها و استخراج آن نیز حاکم است و مطابق تعریف حاکم بر عقد، می‌توان آن را عقد قلمداد نمود. قرارداد در ادبیات فارسی، به مفهوم عقد است و این مفهوم در ماده ۱۸۳ قانون مدنی نیز بیان گردیده است. قرارداد در واقع امر مکتوبی است که بین دو طرف همچون بایع و ثامن رمز ارزها در جهت انجام کاری منعقد می‌شود و در آن با صراحت از موضوع کار، تعهدات مجری و سفارش دهنده، قیمت و نحوه پرداخت موضوع مورد نظر گفته و از سوی دو طرف تأیید و تعهد شده است. تبادل این مکتوب بین دو طرف سفارش، حق رسیدگی به روند اجرای کار، احقاق حقوق پایمال شده ناشی از عدم اجرای تعهدات طرف مقابل را در مراجع و محاکم ذی صلاح قضایی و صنفی، قطعی و ممکن می‌سازد. قرارداد ممکن است ظاهر متفاوتی و متنوعی داشته باشد اما از نظر محتوی همه ی آنها یکسان هستند و اگر با دقت تنظیم شده باشند می‌توان رسیدن به حقوق پایمال شده ناشی از عدم اجرای تعهدات

۱. قبولی، درافشان؛ هادی، سیدمحمد، ۱۳۸۴، مفهوم بیع و تمایز آن از سایر قراردادها در حقوق ایران با بررسی تطبیقی در حقوق انگلیس، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ص ۱

۲. مؤسسه فرهنگی جام طهور، بی تا، «بیع چیست؟»، تهران، مؤسسه فرهنگی جام طهور، ص ۱

طرف مقابل را در مراجع و محاکم ذی صلاح قضایی و صنفی، قطعی و ممکن می سازد. قرارداد ممکن است ظاهر متفاوت و متنوعی داشته باشد اما از نظر محتوی همه آنها یکسان هستند و اگر با دقت تنظیم شده باشند می تواند رسیدن به حقوق پایمال شده طرفین را تسهیل و ممکن سازد. از آنجا که عقد و قرارداد در ماهیت خود متفاوت است و اقاله و تفاسخ نیز عقد نبوده و قرارداد به شمار می روند. علی هذا توافق طرفین با اراده آزاد و اختیاری را در جهت ایجاد یک اثر حقوقی را قرارداد گویند که عقودی همچون بیع و اجاره را شامل می شود. برخی از حقوقدانان وضع ماده ی ۱۰ قانون مدنی را به پیروی از حقوقدانان اروپا دانسته اند و برخی نیز آن را نسخه دوم بیان فقهای اسلامی عنوان داشته اند. از جهاتی معوض در رمز ارزها ممکن است هر چیزی که در نزد عقلا مرغوب باشد، بوده، اما به اصل اولی باید بین عوض و معوض تعادل و توازن داشته باشد. جامعه عقلایی از بدو تاکنون با رشد مدنیت معاوضه از کالی به کالی در قبال ثمن ارتقاء یافت، تا جایی که ثمن از نقدین (طلا و نقره) تغییر و کمال یافت و در چرخه تکامل شاهد انتشار اسکناس و سایر اوراق بهادار بر اساس پشتوانه های طلا، نقره و اکنون سایر پشتوانه های دیگر شده ایم.<sup>۱</sup> در ماده ۱۸۳ به تعهدی که یک یا چند نفر در برابر دیگران کرده اند و مورد قبول قرار گرفته، عقد اطلاق گردیده است. در حالی که تعهد، اثر عقد است نه خود آن. این اشتباه ناشی از اختلاطی است که بین دو مفهوم عقد و تعهد در ذهن نویسندگان قانون مدنی وجود داشته و گاه آنان را به بیراهه کشیده است. اختصاص دادن عقد به توافق هایی که ایجاد تعهد می کند، کاری نادرست است زیرا پاره ای از عقود معین (که هیچ تردیدی در عقد بودن آنها روانیست) به طور مستقیم ایجاد تعهد نمی کند. به اعتقاد برخی حقوقدانان، تعریف مزبور ناقص است، زیرا فقط شامل عقد عهدی می شود و شامل عقد تملیکی که بوسیله آن مالی از مالکیت کسی خارج و در مالکیت دیگری داخل گردد، نمی شود. چه در این گونه عقود بنفس عقد، انتقال مالکیت حاصل می گردد و تعهدی مستقیماً ایجاد نمی شود و تعهدی که در عقود تملیکی بوجود می آید فرعی می باشد مانند نهاد به تسلیم مبیع و ثمن ناشی از بیع که در ماده ی ۳۶۲ قانون مدنی بیان شده است.<sup>۲</sup> به طور کلی معاملات رمز ارزها در قالب عقود شکل می گیرند و به نوعی عقد محسوب می گردند.

۱. روشن، محمد؛ مظفری، مصطفی؛ میرزایی، هانیه، ۱۳۹۷، بررسی وضعیت فقهی و حقوقی بیت کوین، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۸۷، صص ۶۵-۶۴.

۲. امامی، سید حسن، ۱۳۶۶، حقوق مدنی، تهران، اسلامیه، ج ۱، ص ۱۶۰.



معاملات استخراج و خرید و فروش رمز ارزها، از دیدگاه اغلب فقها و حقوقدانان غرری است و از دیدگاه برخی نیز غرری نمی باشد. از این رو آشنایی با ابعاد بیع غرری در این گونه معاملات از اهمیت برخوردار است. بیع، در ماده ۳۳۸ قانون مدنی چنین تعریف شده است: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم». این تعریف که برگرفته از تعریف بیع توسط برخی از فقهای امامیه است، دلالت بر تملیکی بودن عقد بیع می نماید و ظاهراً با تعریفی که از عقد در ماده ۱۸۳ قانون مدنی ارائه شده در تعارض می باشد چرا که مستنبط از ماده اخیر الذکر عهدی بودن عقود و نه تملیکی بودن آنهاست.<sup>۱</sup> علمای تمامی مذاهب اربعه نیز معتقدند که، بیع غرری عبارت از بیعی است که شامل جهل و خطر است و شارع مقدس آن را نهی کرده و در ادامه بیان نموده اند که پیامبر (ص) نیز نهی از بیع غرری را اصلی از اصول شرع دانسته است، و با این وجود دو امر از داخل مباحث غرری مستثنی می باشد: اول: هر آن چه که تبعاً داخل در مبیع می شود (که این بسته به نوع مبیع دارد)، پس اگر به تنهایی فروخته شود بیع آن صحیح نمی باشد، مانند بیع اساس و پایه ی ساختمان به تبع فروش ساختمان و شیر موجود در حیوان چهار پا. دوم: در امثال آن قسم بیع ها چنین چیزی معمول بوده و در نتیجه قابل اغماض باشد.<sup>۲</sup> نمونه هایی از بیع غرری عبارتند از: بیع حصاه: مشخص کردن مبیع با پرتاب کردن سنگ به آن. بیع الملامسه: کالا را بدون دیدن فروختن، تعیین مبیع به واسطه ی لمس آن از ورای پوشش بیع المنابذه: عبارت از بیعی است که مشتری بگوید: اگر کالایی را به سویم افکندی آن را به فلان مبلغ خریدم. در جای دیگر، عالمان سنی مذهب بیان داشته اند: «بیع غرری عبارتست از بیعی که مردد میان دو امر باشد. یکی از آن دو مورد نظر متعاملین و دیگری مخالف نظر ایشان باشد»<sup>۳</sup> از جمع بندی کلمات فقها در خصوص مفهوم اصطلاحی غرر می توان عقد غرری را چنین تعریف کرد: عقدی است که وضعیت و شرایط انعقاد آن که ناشی از جهل در اصل وجود مورد معامله (مبیع و ثمن) و یا جهل به صفات و یا شک و تردید نسبت به حصول آن است - موجد خطر مالی در معامله است. به گونه ای که نتیجه و پایان آن برای

۱. مؤسسه فرهنگی جام طهور، پیشین، ص ۱

۲. سرخوش، مهسا، ۱۳۹۳، بررسی تطبیقی مبانی، قلمرو و آثار غرر در حقوق ایران و فقه عامه، پایان نامه ی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تبریز، ص ۶

۳. الجزیری، عبدالرحمن، ۱۴۱۹ ه.ق، مذاهب اربعه، بیروت، دارالتقلین، ج ۲، ص ۲۴۳

طرفین معامله یا یکی از آنها مجهول باشد و در نتیجه احتمال ضرر و زیان در آن وجود داشته باشد. از تعریفی که ذکر شد روشن می شود که غرر مترادف جهل نیست بلکه غرر در استخراج و خرید و فروش رمز ارزها، ناشی از جهل و مستلزم آن است و نتیجه ی آن، خطر و احتمال ضرر و زیان می باشد.<sup>۱</sup> اگر چه عقد غرری در قانون ایران تعریف نشده است و به تبع آن حقوقدانان داخلی نیز در آثار حقوقی خود به طور کامل و جامع تعریفی از آن ننموده اند، ولی با توجه به این که حقوق مدنی ایران برگرفته از فقه است، می توان به تعریف اصطلاح حقوقی «غرر» دست یافت؛ چنان که در ترمینولوژی حقوق درباره ی اصطلاح عقد غرری چنین آمده است: عناصر غرر عبارتند از: الف) جهل ب) احتمال حصول ضرر از ناحیه جهل.<sup>۲</sup> از طرف دیگر منظور از غرری بودن معامله در راستای استخراج و خرید و فروش رمز ارزها به طور خلاصه مبهم بودن روابط طرفین و سرنوشت معامله و وابسته بودن آن به شانس و تصادف است.<sup>۳</sup> از آنجا که بازار بیت کوین نوسانات قابل توجهی داشته است، برخی کارشناسان قیمت گذاری بیت کوین را غیرعقلانی و مبادلات آن را غرری دانسته اند. اما در مقابل، بسیاری از کارشناسان این نوسانات شدید را توجیه کرده و آن را یک مسئله عقلایی و ناشی از عرضه و تقاضای بازار دانسته اند. گذشته از آنکه گفته می شود زمانی که بیت کوین به عنوان ارز مرجع قرار بگیرد، دیگر از این نوسانات خبری نخواهد بود. به هر حال نامشخص بودن وضعیت بیت کوین و خطرپذیری فوق العاده آن (بر فرض اثبات) ممکن است دلیلی برای غرری بودن آن و در نتیجه بطلان معاملات صورت پذیرفته در این مقوله باشد.<sup>۴</sup> از این جهت می توان عنوان نمود که استخراج و بیع رمز ارزها می تواند به نوعی جزو معاملات غرری تلقی گردد.

به طور کلی، پرسشی که مطرح می شود این است که آیا از نظر فقه و قانون مدنی ایران ملاک و معیار تشخیص «معامله غرری» در بیع رمز ارزها، نظر نوعی و متعارف است یا نظر شخصی؛ به عبارت دیگر، مراد از غرر منفی، غرر نوعی است و یا غرر شخصی؟ البته مجموعه روایات وارده در مورد غرر، به ویژه روایت مشهور نبوی (ص)، به طور صریح به این موضوع اشاره نداشته و به صورت مطلق بدان پرداخته شده است. هم چنین مواد مختلف

۱. لطفی، اسدالله، ۱۳۸۸، عقد بیع، تهران، خرسندی، ص ۱۱۱

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۲، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ص ۴۸۹.

۳. شهیدی، مهدی، ۱۳۹۳، تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، مجد، ج ۱، ص ۲۹۰.

۴. روشن، محمد؛ مظفری، مصطفی؛ میرزایی، هانیه، پیشین، صص ۶۹-۶۸.

قانون مدنی ایران درباره موضوع غرر<sup>۱</sup> اساساً ناظر به این بحث نیست. با وجود این، از روایات وارده در خصوص موارد غرر، مانند معلوم بودن مبیع و قدرت بر تسلیم مورد معامله، این مطلب استنباط می‌شود که نظر عرف و نوعی، در تمییز معاملات غرری ملاک می‌باشد که به عنوان نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌نماییم: در عناوین آمده است: ... و کما یرتفع الغرر فی مسألة المعلومات بما جرت به العادة من طرق الاختبار والامتحان، فکذلک یرتفع فی مسألة القدرة علی التسليم و فی مسألة معرفة الوجود بما جرت به عادة الناس فیما وثق فی العادة بوجوده و بإمكان تسليمه لاغرر فيه والمیزان فی ذلک مجاری العادات و...<sup>۲</sup> به طور کلی ملاک رفع غرر چه در مسئله معلوم بودن مورد معامله و چه در مورد قدرت بر تسلیم و چه در خصوص علم به اصل وجود موضوع معامله رمز ارزشها، چیزی است که میان مردم رایج است و معیار غرری بودن معامله رمز ارزشها، نظر نوعی و متعارف است.

هم‌چنین صاحب عوائدالایام نیز معتقد است که ملاک در موضع خطر بودن مبیع یا ثمن و به عبارت دیگر معیار غرری بودن معامله از حیث احتمال تلف، عرف و نظر نوعی می‌باشد.<sup>۳</sup> در منیه الطالب نیز معیار تشخیص و تحقق قدرت بر تسلیم مورد معامله نظر نوعی و عرف مردم ذکر شده است. افزون بر این، به نظر برخی از حقوق‌دانان و فقیهان، «غرری که موجب فساد بیع است، غرر نوعی است، نه شخصی». تحریرالمجله، ذیل ماده ۲۱۸، ملاک غرر را نوعی می‌داند نه شخصی.<sup>۴</sup> در برخی از آثار حقوقی آمده است: علم به اوصاف اساسی و ذاتی مبیع، شرط صحت عقد است، ولی علم به وصفی که چهره فرعی و تبعی دارد ضروری نیست و در عین حالی که اجرای این قاعده گاه دشوار است، ولی می‌تواند راهنمای ارزنده‌ای در لزوم تعیین سه عامل جنس و وصف و مقدار مبیع باشد و نقش معیارهای عرفی و نوعی را در کنار قصد مشترک نشان دهد.<sup>۵</sup>

۱. مانند مواد ۱۹۰، ۲۱۶، ۲۳۳، ۳۳۸، ۳۴۸ و ... ق.م.

۲. مراغه‌ای، میرفتاح، ۱۲۹۷ ه.ق، عناوین، بیروت، چاپ سنگی، ص ۲۷۰.

۳. نراقی، ملا احمد بن محمد مهدی، ۱۴۱۷ ه.ق، عوائد الایام فی بیان قواعد الأحکام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ج ۱، ص ۳۲.

۴. کاشف الغطاء، محمد حسین، ۱۳۵۹ ه.ق، تحریر المجله، تهران، مکتبه النجاشی، قم، مکتبه الفیروزآبادی، ج ۱، ص ۱۸۴.

۵. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، عقود معین (معاملات معوض و عقود تملیکی)، تهران، سازمان چاپ و انتشار، ج ۳، ص ۱۱۵.

هم‌چنین با توجه به این اصل که «میزان در قواعد و احکام شرعی بنای اغلب و نوع مردم می‌باشد»<sup>۱</sup> می‌توان گفت که در این خصوص نیز ملاک تشخیص غرر در معامله، نوعی است؛ یعنی معیارهای عرفی و نوعی در تمییز معامله غرری نقش دارند و داوری عرف در این مورد پذیرفته می‌شود؛ بنابراین، تشخیص و نظر و تسامح شخصی (طرفین معامله) در یک معامله و مورد خاص، نمی‌تواند ملاک بازشناسی غرر و یا عدم آن باشد. اما بر خلاف ظاهر اخبار وارده در این باب و نظریات فقها در موارد متعدد، نظریه دیگری ملاک غرر را «شخصی» می‌داند؛ برای نمونه شیخ مرتضی انصاری در مکاسب<sup>۲</sup> چنین نظری دارند. ایشان در ابتدا معتقدند که ظاهر اطلاقات حکم بر بطلان معاملات غرری مبتنی بر «غرر نوعی» است، اما سپس خود بر خلاف ظاهر گفته‌اند که مناط عدم جواز در این قبیل معاملات (معاملاتی که در آن‌ها در خصوص چگونگی معلوم بودن مبیع بحث می‌شود) وجود غرر شخصی است. سپس می‌افزایند که اطلاقات نظریات فقها و روایات را باید بر مورد غالب حمل نمود؛ بدین بیان که چون به طور عمده و غالب رفع غرر ناشی از عدم تقدیر و اندازه‌گیری، متوقف بر تقدیر و اندازه‌گیری مورد معامله است، منجر به چنین نظریات و فتاوی شده است و حال آن که اگر دفع غرر به غیر از تقدیر و اندازه‌گیری عادی و رایج، با راه‌ها و شیوه‌های دیگری ممکن باشد، کافی خواهد بود؛ برای مثال، هرگاه مقداری طعام با هم وزن خود از شیء دیگر، معامله شود، اگرچه وزن و مقدار هر یک از آن دو معلوم نباشد و معلوم نمودن مبیع هم غیر متعارف باشد و نوعاً این معامله را غرری بدانند، بعید نیست که غرری وجود نداشته باشد. هم‌چنین اگر اشخاصی باشند که با حدس و تخمین، مقدار نزدیک به واقع کالایی را معین کنند و احتمال اشتباه در آن اندک باشد، می‌توان گفت در چنین معامله‌ای با این گونه ابزار تعیین، غرر وجود ندارد؛ اگرچه نوعاً چنین معامله‌ای بدون اندازه‌گیری رایج و متداول، غرر محسوب می‌شود. حتی از نظر وی جایز است در جایی که با مشاهده، غرر منتفی می‌گردد، از تقدیر با وزن و کیل که متداول است، خودداری نمایند.<sup>۳</sup> به طور کلی استخراج و بیع و رمز ارزها در قالب معاملات غرری است که با توجه به شرایط و آثار مختلفی که بیع غرری به خود اختصاص داده است، دارای احکام مختلفی است.

### ۳-۲- ضمان معاوضی و ریسک پذیری

۱. انصاری، شیخ مرتضی، ۱۴۱۵ ه.ق، مکاسب، چاپ سنگی، ص ۱۹۰.

۲. مراغه‌ای، میرفتاح، پیشین، ص ۲۶۷.

۳. همان، ص ۱۹۱.

در حقوق ایران، ریسک یا ضمان معاوضی با تسلیم، انتقال می‌یابد. در این حال این مسئله مطرح است که آیا این موضوع در راستای استخراج، بیع و ثمن رمز ارزها نیز چنین است؟ با تحلیلی دقیق‌تر در نتیجه قصد و اراده فروشنده و خریدار در عقد معاوضی، بیع و ثمن رمز ارزها قابل تسلیم و انتقال است. چرا که اگر مبیع (رمز ارزها) قبل از تسلیم تلف گردد امکان دست یافتن خریدار به عوض مورد انتظار منتفی شده و وجهی برای باقی ماندن تعهد فروشنده به تسلیم ثمن وجود ندارد. اگر تلف رمز ارزها قبل از قبض را نتیجه قصد واقعی طرفین معاوضه بدانیم مطمئناً برای طرفین این امکان وجود دارد که به زمان دیگری برای انتقال ریسک تراضی نمایند که این زمان، می‌تواند زمانی مقدم بر انتقال مالکیت و مؤخر از آن شناخته شود. انتقال ریسک، همزمان با تسلیم، مخاطرات مربوط به تلف یا نقصان مال را بر عهده‌ی کسی که کنترل مبیع را در اختیار دارد قرار می‌دهد. در نتیجه، چون زمانی که انجام می‌شود، زمانی است که به طور دقیق مشخص است، زمان انتقال ریسک نیز می‌تواند به طور دقیق مشخص گردد. با توجه به این پیش‌گفتار، انتقال ریسک (ضمان معاوضی) هم زمان با تسلیم رمز ارزها به خریدار، با مصالح و ملاحظات تجاری و قواعد و اصول حقوقی سازگاری کامل دارد زیرا ریسک را باید بر عهده کسی گذاشت که تصرف و کنترل رمز ارزها را در اختیار دارد. در قراردادهای فروش کلی فی‌الذمه یا کلی در معین، مالکیت با تعیین و اختصاص مبیع به قرارداد، که عملی یکجانبه توسط فروشنده رمز ارزهاست، انتقال می‌یابد، اما ریسک قبل از تسلیم انتقال نمی‌یابد. در راستای انتقال ریسک می‌توان به مقررات مختلف بین‌المللی همچون ماده ۶۷ و ۶۹ کنوانسیون وین، که مرتبط با انتقال ریسک است اشاره نمود که مقرر داشته است که ریسک، همزمان با عمل فیزیکی انتقال تصرف، انتقال می‌یابد که زمان انتقال ریسک، زمان تحقق عملی است که فروشنده را از تعهدات خود تحت آن قرارداد، برای تسلیم مبیع مبری می‌کند. در همه موارد ریسک در زمانی انتقال می‌یابد که کنترل و تسلط بر مبیع به خریدار انتقال یافته است، یا زمانی که خریدار، در مقایسه با فروشنده در وضعیت مناسب‌تری برای اعمال کنترل بر مبیع قرار گرفته است. به طور کلی انتقال ریسک، هدف اصلی بیع در اکثر نظام‌های حقوقی است. انتقال ریسک (ضمان معاوضی) به دنبال آن است که بیابد چه شخصی ملزم به جبران خسارت می‌باشد. از جهاتی نیز خرید و فروش بیع و ثمن رمز ارزها به صورت ضمان معاوضی است که در بیع رمز ارزها، التزام مشتری به تأدیه ثمن در ازای دریافت مبیع و التزام بایع به تسلیم مبیع در مقابل

دریافت ثمن، انجام می‌گیرد که بررسی ابعاد آن همچون تلف، فسخ و معامله نیز از اهمیت برخوردار است. در بررسی ریسک این نوع تعهدات در عرصه ملی و بین‌المللی می‌توان به ابعاد مختلفی اشاره داشت؛ موضوعات مختلفی همچون جبران خسارت، فسخ آن، انعقاد قراردادهای و شرایط و آثار حاکم بر آن، مطالعه شروطی همچون شرط حسن نیت، شرط تضامین و ده‌ها موضوع دیگر را مورد بررسی قرار داد که تاکنون در راستای این موضوع هیچگونه کتاب، مقاله، پایان‌نامه و رساله‌ای به صورت جامع به ثبت نرسیده است. اما مسئله آن است که آیا ماهیت رمز ارزها که به صورت الکترونیکی انجام می‌گیرند، آیا کالا محسوب می‌شوند؟ از این جهت اگر کالا محسوب شود در عموماً شرایط و آثار ضمان معاوضی هیچگونه ابهامی وجود نخواهد داشت و اگر کالا محسوب نگردد مسائل بسیاری پدیدار خواهد شد. البته ضمان معاوضی در اکثر کشورها دارای شرایط انتقال ریسک همسانی است. برای مثال در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، ریسک موجود در ضمان معاوضی که به رمز ارزها نیز اطلاق می‌گردد، تلف و صدمات وارد به کالا است که شامل فساد و ضایعات طبیعی است و از این روست که آثار انتقال ریسک (ضمان معاوضی) این است که خریدار می‌بایست ثمن کالای تلف شده یا صدمه دیده را بپردازد. البته پس از انتقال ضمان معاوضی یا همان ریسک، آسیب‌های وارده بر عهده خریدار می‌باشد. از این جهت می‌بایست مطالعه گردد که در انتقال ضمان معاوضی یا همان ریسک در خرید و فروش رمز ارزها چگونه اتفاق می‌افتد؟ و چه آسیب‌های احتمالی در راستای رمز ارزها وجود دارد؟ با توجه به اینکه انتقال ریسک ناشی از رمز ارزها به شیوه عادی صورت نمی‌گیرد و در این راستا می‌توان تجهیزات الکترونیکی را مدخل در موضوع عنوان نمود.

#### ۴-۲- مال بودن

به عقیده اکثر فقها و حقوقدانان، استخراج و بیع و ثمن رمز ارزها به عنوان مال محسوب می‌شود و ارزش مادی و حقوقی دارد. در شناسایی مالیت رمز ارزها، شناسایی ابعاد مال از اهمیت و ضرورت برخوردار خواهد بود. مال در اصل کلمه‌ای عربی نیست و از کلمه‌ی یونانی<sup>۱</sup> گرفته شده که اصل آن لغت لاتینی<sup>۲</sup> است. در عربی آن را از فعل ماضی (مال، یمیل، میلاً) شمرده‌اند چون مال طرف خواهش و میل است از این رو به پارسی هم «خواست»

1. Melon - malon

2. malum

نامیده می‌شود.<sup>۱</sup> مالکیت حقیقی دائمی است که به موجب آن شخص می‌تواند در حدود قوانین تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند که ببع رمز ارزها نیز از این امر برخوردارند. این حق، کامل‌ترین حقی است که انسان می‌تواند بر مالی داشته باشد و دارای سه ویژگی انحصاری، مطلق و دائمی بودن است. در انتقال مالکیت، یکی از مسائل مهم، زمان انتقال است که تعیین‌کننده‌ی زمان ایجاد آثار مربوط به آن است. برخی نظام‌های حقوقی، زمان انتقال مالکیت را براساس نوع مورد معامله تعیین می‌کنند. در فقه امامیه و حقوق ایران، زمان انتقال مالکیت در تمام اقسام مبیع، حین وقوع عقد است.<sup>۲</sup> از نظر حقوقی، به چیزی مال گویند که دارای دو شرط اساسی باشد: (۱) مفید باشد و نیازی را برآورد، خواه آن نیاز مادی باشد یا معنوی؛ (۲) قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین باشد.<sup>۳</sup> قانون از مال تعریفی نکرده و شاید آن را بسیار بدیهی دانسته و نیازی به تعریف ندیده و به احتمال قوی تشخیص آن را محول به عرف کرده است ولی دانستن تعریف مال در بسیاری از موارد به خصوص برای ما حقوقدانان اهمیت دارد زیرا اگر ما به درستی تعریف مال را ندانیم در موقع لزوم تردید خواهیم کرد که آیا مثلاً، سرقتی مال است یا خیر یا تردید خواهیم کرد که اقراری را که منتسب به سفیه است در امور مالی بوده یا خیر و امثال اینها. گفتیم که مال یک مفهوم حقوقی است که منشأ آن غریبه‌ی مالکیت است. یعنی در خارج از ذهن و پذیرش انسان چیزی به نام «مال» وجود ندارد. آنچه که خارج از ذهن انسان وجود دارد دنیای واقعی فیزیکی است. این دنیای واقعی آکنده از پدیده‌های مختلفی است که صرف نظر از آنچه ما می‌اندیشیم وجود دارد. زمین، آب، درخت، کوه، جنگل، حیوانات، آدمیان و آنچه که به دست آدمیان پدید آمده جلوه‌هایی از دنیای واقعی هستند.<sup>۴</sup> با توجه به تعاریف مذکور می‌توان عنوان نمود که رمز ارزها از مالیت برخوردارند و به عنوان مال محسوب می‌شوند و نمونه‌ای از رمز ارزها را می‌توان بیت‌کوین عنوان نمود که از مالیت برخوردار است و قابل مبادله به پول می‌باشد. از این جهت یکی از ماهیت‌های رمز ارزها را می‌توان مال بودن عنوان داشت.

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۶۸، حقوق اموال، تهران، گنج دانش، ص ۳۵.

۲. سربازیان، مجید؛ رنجبری، سهیلا، ۱۳۹۳، مفهوم مالکیت و زمان انتقال آن در فقه امامیه، حقوق ایران و انگلیس، سال دوم، ش ۳، ص ۵۷.

۳. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶، اموال و مالکیت، تهران، میزان، ص ۹.

۴. یوسف زاده، مرتضی، ۱۳۸۹، حقوق مدنی او ۲ (اشخاص و اموال و مالکیت)، تهران، میزان، ص ۱۷۹.

## ۵-۲- ارادی بودن

مطابق ماده ۱۹۰ قانون مدنی، قصد طرفین یا اراده آنان، شاکله ی بسیار مهمی است که مبنای تعهداتی همچون تعهدات ناشی از استخراج و بیع رمز ارزها را شکل می دهد.<sup>۱</sup> نظریه حاکمیت اراده، در اینگونه تعهدات، به مبالغه در تحسین اراده خلاقه روابط حقوقی اکتفا نمی کند چه به موجب آن:

اولاً- جز به دلایل قوی نظم عمومی، حکومت اراده نباید محدود شود (ماده ۹۷۵ ق.م. و ماده آ.د.م) و این قبیل محدودیت ها نیز بایستی به حداقل برسد.

ثانیاً- منافع خصوصی که آزادانه مورد مباحثه و توافق قرار گرفته منطبق با اعمال حقوقی است، یعنی مانند آن باید محترم شمرده شود.

ثالثاً- هیچ گونه بی عدالتی از عقد نتیجه نمی شود، چه تعهدات ناشی از آن آزادانه به وجود آمده است.

رابعاً- نظریه حاکمیت اراده مبین هر نوع الزام و حتی مقررات قانونی ناشی از تفسیر اراده مردم یک سرزمین است و بدین ترتیب، طرفداران تندرو نظریه مذکور تعهدات ناشی از قانون را تحت کفاف عقود فرضی جلوه می دهند، مثلاً قوانین وراثت را وصیت مفروض متوفی می دانند.

در تعهدات مابین بائع و ثامن در استخراج رمز ارزها، می توان آزادی قرار دادی و اراده طرفین را مشاهده نمود؛ اکثر تفسیر کنندگان و فقها در خصوص آیه اول سوره ی مبارکه مائده معتقدند: «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» به مفهوم عام، مشمول هر نوع قرارداد و عقدی می شود که با شرع مخالفت ننماید<sup>۲</sup> و برخی معتقدند که آیه فوق در راستای عقود معین عنوان گردیده است.<sup>۳</sup> اصل آزادی قراردادها بر مبنای ماده ۱۰ قانون مدنی شکل گرفته است که بر مبنای این ماده، متعاهدین در انعقاد قرارداد آزادند و طرفین در شکل بستن قرارداد نیز آزادند. به طور کلی در زمان استخراج رمز ارزها و معاملات ناشی از آن، طرفین یا متعاهدین نسبت به عقود و قراردادهای خود، مختار و آزادند و هرگونه سود و ضرری را آزادانه پذیرفته اند.

۱. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، ۱۳۹۲، حقوق تعهدات، تهران، میزان، ج ۲، صص ۵۷-۵۶.

۲. فاضل، مقداد سیوری، بی تا، کنزالعرفان، قم، خیام، ج ۲، ص ۷۱.

۳. عاملی، سید محمد جواد، ۱۳۲۶ق، مفتاح الکرامه، چاپ مصر، ج ۴، ص ۱۷۴.



موضوع استخراج و بیع رمز ارزها موضوع جدیدی است که امروزه ابعاد حقوقی و فقهی مختلفی را به خود دیده است و از این جهت نظریات حقوقی و اقوال فقهی متفاوتی را نیز می توان در زمینه ماهیت آن مورد مطالعه قرار داد. ماهیت رمز ارزها و استخراج آن را می توان مالی و به نوعی بیع غرری عنوان نمود که احکام خاصی بر آن مترتب می باشد. از دیدگاه اکثر حقوقدانان و فقها، ماهیت رمز ارزها و استخراج آن با توجه به اراده طرفین در قالب عقد مشروع شکل گرفته است که در حقوق ایران قوانین کامل و جامعی در راستای حمایت از آن وجود ندارد. استخراج و بیع رمز ارزها در راستای عقود طرفین و یا قراردادی که منعقد می نمایند شکل می گیرد و از لحاظ فقه و حقوق در این خصوص نمی توان اختلاف نظری را مشاهده نمود و هر آنچه که در این راستا مورد نقد و بررسی است، در راستای پذیرش ماهیت پولی و احکام خاص استخراج و بیع رمز ارزها می باشد. از این رو ماهیت بیع رمز ارزها را پولی عنوان نموده اند و جزو معاملات غرری تلقی نموده اند که اختلاف نظرات و افری نیز در این خصوص وجود دارد. از جهاتی انتقال ریسک یکی از موضوعاتی است که در راستای شناسایی ماهیت رمز ارزها مورد مطالعه قرار می گیرد. انتقال ریسک (ضمان معاوضی) هم زمان با تسلیم رمز ارزها به خریدار، با مصالح و ملاحظات تجاری و قواعد و اصول حقوقی سازگاری کامل دارد، زیرا ریسک را باید بر عهده کسی گذاشت که تصرف و کنترل رمز ارزها را در اختیار دارد. در قراردادهای فروش کلی فی الذمه یا کلی در معین، مالکیت با تعیین و اختصاص مبیع به قرارداد، که عملی یکجانبه توسط فروشنده رمز ارزهاست، انتقال می یابد، اما ریسک قبل از تسلیم انتقال نمی یابد. به طور کلی در شناسایی ماهیت استخراج و بیع رمز ارزها می بایست مطالعه ای در خصوصیات و ویژگی های آن نیز داشت. النهایه آنکه بیع رمز ارزها و استخراج آن به صورت قانون مدون و جامع در حقوق ایران مورد توجه قرار نگرفته است و این موضوع به عنوان چالش مهمی است که ضعف سیاست تقنینی و اجرایی و قضایی را می رساند که بررسی آن در پژوهش و مقاله ای مستقل را ضرورت می بیند.

۱. امامی، سید حسن، ۱۳۶۶، حقوق مدنی، تهران، اسلامیه، ج ۱.
۲. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، ۱۳۹۲، حقوق تعهدات، تهران، میزان، ج ۲.
۳. جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم، ۱۳۹۱، توضیح المسائل مراجع مطابق با فتاوی سیزده نفر از مراجع معظم تقلید، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۲، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۶۸، حقوق اموال، تهران، گنج دانش.
۶. شهیدی، مهدی، ۱۳۹۳، تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، مجد، ج ۱.
۷. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، عقود معین (معاملات معوض و عقود تملیکی)، تهران، سازمان چاپ و انتشار، ج ۳.
۸. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶، اموال و مالکیت، تهران، میزان.
۹. مراغه‌ای، میرفتاح، ۱۲۹۷ ه.ق، عناوین، بیروت، چاپ سنگی.
۱۰. مؤسسه فرهنگی جام طهور، بی تا، «بیع چیست؟»، تهران، مؤسسه فرهنگی جام طهور.
۱۱. یوسف زاده، مرتضی، ۱۳۸۹، حقوق مدنی او ۲ (اشخاص و اموال و مالکیت)، تهران، میزان.
۱۲. لطفی، اسدالله، ۱۳۸۸، عقد بیع، تهران، خرسندی.

## (۲) عربی

۱. الجزیری، عبدالرحمن، ۱۴۱۹ ه.ق، مذاهب اربعه، بیروت، دارالتقلین، ج ۲.
۲. انصاری، شیخ مرتضی، ۱۴۱۵ ه.ق، مکاسب، بیروت، چاپ سنگی.
۳. عاملی، سید محمد جواد، ۱۳۲۶ ق، مفتاح الکرامه، بیروت، چاپ مصر، ج ۴.
۴. فاضل، مقداد سیوری، بی تا، کنزالعرفان، قم، خیام، ج ۲.
۵. کاشف الغطاء، محمد حسین، ۱۳۵۹ ه.ق، تحریر المجله، تهران، مکتبه النجاشی، قم، مکتبه الفيروزآبادی، ج ۱.
۶. موسوی خمینی، روح الله، ۱۴۲۱ ه.ق، البیع، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۳.
۷. نراقی، ملا احمد بن محمد مهدی، ۱۴۱۷ ه.ق، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ج ۱.

## (۳) سایت

۱. خانه دیجیتال، ۱۴۰۰، رمز ارز چیست و چگونه می توان از آن کسب درآمد کرد؟، <https://khanesarmaye.com> رؤیت شده در مورخه ۱۶/۰۷/۱۴۰۰